

بررسی و علل واقعه‌ی جنگ صفین

لطف الله محمد نژاد

انتشارات هاوژین

سرشناسه: محمدنژاد، لطف‌الله/۱۳۳۷

عنوان و نام پدیدآور: بررسی و علل واقعی جنگ صفین، لطف‌الله محمدنژاد.

مشخصات نشر: ساری: هاوژین، ۱۳۹۴

مشخصات ظاهری: ۱۲۰ ص

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۴۶-۸۰-۲

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. جنگ‌ها. جنگ صفین، ۴۰ ق.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۴ م ۷ ص ۳۷/۹۵ BP

رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۱

شماره کتابشناسی ملی: ۳۹۶۲۲۲۶

بررسی و علل واقعی جنگ صفین
لطف الله محمدنژاد

انتشارات هاوژین

طراح جلد: صفری ابراهیمی
چاپ نخست - ۱۳۹۴ - ۱۰۰۰ نسخه

مازندران - ساری. تلفن: ۰۱۱-۳۳۳۶۱۲۳۹
Email: havzhin.publish@yahoo.com

فهرست مطالب

پیش گفتار / ۷

مقدمه / ۹

آخرین حیلۀ معاویه پیش از جنگ / ۱۵

از بازگشت بربر از امام تا آغاز لشکرکشی / ۲۱

حرکت به سمت شام / ۲۷

رویاری دو سپاه بر سراب / ۳۵

آزادسازی راه آبشخور / ۴۱

جنگ در فرسایش / ۴۵

شایعۀ شکسته شدن سد و فریب سپاهیان علی (ع) / ۴۹

آخرین گفتگوها پیش از آغاز نبرد اصلی / ۱۳

نبرد بزرگ / ۵۹

دلاوری های معاویه و عمروعاص / ۷۱

کشته شدن عمار یاسر / ۷۵

لیلۀ الهیریر یا شب سرنوشت / ۸۱

تدبیر عمروعاص و تفرقه در سپاه پیروز / ۸۹

گزینش برای داوری / ۹۵

عهدنامه و پایان رسمی جنگ / ۹۹

شعار لاحکم الالہ و ظہور خوارج / ۱۰۵

ابوموسی اشعری، بازندہ تاریخی حکمیت / ۱۰۹

آثار و پیامدهای جنگ صفین / ۱۱۵

نتیجہ / ۱۱۷

کتابنامہ / ۱۱۹

www.ketab.ir

پس از خلع

پس از به خلع رسیدن امیرالمؤمنین علی (ع) در سال ۳۵ هجری، مخالفان آن حضرت، به همراه معاویه بن ابی سفیان تلاش داشتند تا به هر طریق ممکن، سد راه سرشته نای آن حضرت شده، خود به ثروت بیشتر و قدرت افزون تر چنگ بزنند. پس در سال ۳۵ هجری که در دوره چهار و نیم ساله خلافت امیرالمؤمنین (ع) روی داد، بر خلافت - و در ۳۵ هجرت پیامبر (ص) تا مرگ عثمان، با مشرکان و مرتدان و غیرمسلمانان بسوی بدک آشکارا نبرد بین دو گروه مسلمان بود که ادعای خداپرستی و عمل به قرآن داشتند. با این که نتیجه دو جنگ از این سه جنگ ظاهراً با پیروزی علی (ع) بود، آثار و تبعات آن تا مدت های بسیار ادامه داشته، هنوز هم سبب اختلاف عقیده بین مسلمانان است. جالب این که نبرد با ناکشین و قاسطین خواست امیرالمؤمنین (ع) نبود و ایشان همواره بر لزوم نبرد با معاویه تأکید می کرد، اما هیچ گاه نخواستند که می خواست، شرّ معاویه را از دنیای اسلام کوتاه کند. در این مجال نگاهی داریم به نبرد امیرمؤمنان (ع) با معاویه (قاسطین).

مقدمه

دومین جنگ - حسرت علی (ع) پس از به خلافت رسیدن، با معاویه بن ابی سفیان یا قاسم بود به دالم وقوع نبرد در مکانی به نام صفین، معروف به نبرد صفین شده است. نبرد صفین نسبت به نبرد جمل و نهروان، بسیار گسترده تر و مهم تر است. نبردی که ماه ا به طویل انجامید و تلفات سنگینی برجای گذاشت. نتیجه این جنگ، حاکمان شدن تدریجی سرزمین های مصر، غرب و شمال عراق از دایرة حکومت امیر مؤمنان (ع) بود. در حقیقت این جنگ، سر آغاز قدرت گرفتن معاویه پیش از خلافت است.

پس از وفات پیامبر (ص) در سال ۱۱ هجری، معاویه به پیروی از پدرش، ابوسفیان از بیعت با ابوبکر سر باز زد. بهانه معاویه و ابوسفیان این بود که خلافت باید به خاندان بنی هاشم یا بنی امیه برسد که خویشان پیامبر (ص) بودند. سرانجام با اصرار هشام بن عمرو، ابوسفیان و پسرش راضی به بیعت با ابوبکر شدند. عمر بن خطاب خلیفه دوم، یزید بن ابی سفیان و معاویه را به شام گسیل کرد. یزید بن ابی سفیان موفقیت های خوبی به دست آورد و مناطقی از

شام را گشود؛ به همین دلیل به حکمرانی و ولایت دمشق و پس از چندی، شامات و نواحی اطراف آن منصوب شد. یزید بن ابی سفیان در سال ۱۸ هجری درگذشت. عمر خلیفه دوم، معاویه برادر یزید را به جای او گمارد. پس از مرگ عمر، خلیفه سوم، عثمان معاویه را در جای خود ابقا کرد. بدین ترتیب معاویه در زمان خلافت عمر و عثمان، به تدریج در شام، قدرت و محییت به دست آورد.

معاویه در زمان دو خلیفه، به تقلید از رومیان، دستگاهی مفصل و باشکوه سلطنتی فراهم کرد که مورد اعتراض عمر قرار گرفت. در زمان حکومت عثمان و به لطف رستم و دل‌بازی‌های وی در بذل و بخشش اموال بادآورده سرزمین‌ها فتح شده، توان معاویه برای خرج کردن پول، بیشتر شد. در همین دوران است که معاویه، ابوذر غفاری را نزد معاویه به تبعید می‌فرستد و ابوذر که توان تحمل بی‌ایمانی معاویه‌ای را نداشت، از سوی معاویه به مکانی دیگر رانده شد.

در روی دادهایی که به کشته شدن عثمان انجامید، معاویه دخالتی نکرد، هرچند در ظاهر پس از تعلل بسیار، لشکری را به مدینه گسیل داشت، اما حضور آنان در خارج از مدینه به هر دلیل، هیچ تأثیری بر سیر روی داده‌ها نداشت.^۱ امیر مؤمنان (ع) پس از به خلافت رسیدن، از معاویه بیعت خواست، اما معاویه حضور قاتلان عثمان نزد حضرت (ع) را بهانه کرد و از بیعت کردن سر باز زد.

امام (ع) جریر بن عبدالله را با نامه‌ای به سوی معاویه گسیل داشت. جریر بن عبدالله در زمان عثمان، استاندار همدان (قبیله‌ای مشهور در عراق عرب) بود. مالک اشتر به امام (ع) عرض کرد: مرا بفرست که دل جریر با معاویه است. امام (ع) فرمود: او را می‌فرستم تا چه کند.^۱

متن نامه امیرمؤمنان (ع) به معاویه چنین است:

«إِنَّا بَايَعْنِي الْقَوْمُ الَّذِينَ بَايَعُوا أَبَا بَكْرٍ وَعُمَرُ وَعُثْمَانُ، عَلَى مَا بَايَعُوهُمْ عَلَيْهِ فَلَمْ يَكُنْ لِلشَّاهِدِ أَنْ يَخْتَارَ وَلَا لِلْغَائِبِ أَنْ يَرُدَّ وَإِنَّمَا الشُّورَى لِلْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ؛ أَنْ اجْتَمَعُوا عَلَى رَجُلٍ وَسَمَوْهُ إِمَامًا، كَانَ ذَلِكَ لِلَّهِ رِضًا؛ فَإِنْ خَرَجَ عَنْ أَمْرِهِمْ خَارِجٌ بَطِلٌ أَوْ بِدْعَةٌ، رُدُّوهُ إِلَى مَا خَرَجَ مِنْهُ؛ فَإِنْ أَبِي قَاتَلُوهُ عَلَى اتِّبَاعِهِ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ، وَإِنَّمَا اللَّهُ مَا تَوَلَّى؛ وَلَعَمْرِي يَا مُعَاوِيَةُ لَسِنٌ نَظَرْتُ بِعَقْلِكَ دُونَ هَؤُلَاءِ، لَتَجِدَنِي ثَابِتًا فِي دَمِ عُثْمَانَ وَلَتَعْلَمَنَّ أَنِّي كُنْتُ فِي عَزَلَةٍ عَنْهُ إِلَّا أَنْ تَجِدَنِي فَتَجَنَّ مَا بَدَأَ لَكَ وَالسَّلَامُ».

«مردمی که با ابوبکر و عمر و عثمان بیعت کردند، هم بدان‌سان بیعت مرا پذیرفتند. پس کسی که حاضر است نتواند دیگر را خایفه گیرد و آن که غایب است نتواند کرده حاضران را نپذیرد. شورا این است، مهاجران است و انصار، پس اگر گرد مردی فراهم گردیدند و او را اسام خود نامیدند، خشنودی خدا را خریدند. اگر کسی کار آنان را عیب گذارد یا بدش پدید آرد، او را به جمعی که از آنان برون شده بازگردانند، و اگر سرباز زد، با وی پیکار رانند... ای معاویه! به جانم سوگند، اگر به دیده خرد بنگری و هوا را از

سربه در بری، بینی که من از دیگر مردمان از خون عثمان بیزارتر بودم و می‌دانی که از آن گوشه‌گیری نمودم، جز آن که مرا متهم گردانی و چیزی را که برایت آشکار است پوشانی. والسلام.^۱

معاویه به بهانه‌های گوناگون، جریر را در دمشق نگاه داشت و از سوی دیگر مردم را برای جنگ آماده می‌کرد. پیراهن خونین عثمان و انگشتان بریده همسایه او، نائله، با مناسبت و بی‌مناسبت به مردم نشان داده می‌شد تا احساسات آنان علیه قاتلان عثمان برانگیخته شود.^۲ (که البته امام علی (ع) را بدان متهم کرده بودند).

امیرمؤمنان (ع) نه از طر، باویه و حساس بودن منطقه شام به خوبی آگاه بود، تلاش کرد تا برای روی رویه در سرکوب معاویه، لشکریانی گرد آورد؛ اما شورش ناکثان و رخدادهای خنجر جل مانع شد و نبرد با معاویه را به تأخیر انداخت. همین تأخیر سبب شد معاویه خود را برای نبرد با عراقیان آماده کند.

معاویه برای نبرد با امیرمؤمنان (ع)، به همکاری عمروعاص، گرگ باران دیده سیاست نیاز داشت. بنابراین پس از جنگ جمل، به تشویق برادرش عتبّه بن ابی سفیان، به عمروعاص که در فلسطین کنونی به سر می‌برد، نامه‌ای نوشت و او را به شام دعوت کرد. عمروعاص از دیدن دانش نظرخواست و آنان او را به خانه نشینی تشویق کردند؛^۳ اما وی به شام رفت تا به دوست قدیمی‌اش معاویه پیوندد.

۱. نهج البلاغه، ترجمه جعفر شهیدی، نامه ۶.

۲. شهیدی، فناکثین، قاسطین، مارقین: ص ۸۳۴.

۳. میرخواند، روضه‌الصفاء: ج ۴، ص ۱۹۱۱.

عمرو عاص پس از ورود به دربار و شنیدن صحبت‌های معاویه، به او گفت: من در برابر این همکاری خطرناک، حکومت مصر را می‌خواهم! معاویه برخلاف میل باطنی، خواسته عمرو عاص را پذیرفت.^۱ برادرزاده عمرو عاص که ماجرا را شنید، به کوفه گریخت و امیرمؤمنان (ع) را در جریان این پیمان شوم قرار داد.^۲

چند ولید بن عقبه شنید که معاویه با امیرمؤمنان (ع) بیعت نکرد و قصد نبرد دارد، به معاویه نامه نوشت و او را تشویق کرد. معاویه دوبار به کوفه برای امیرمؤمنان (ع) نامه فرستاد. بار نخست فرستاده معاویه طوماری طولانی را به همراه داشت که هیچ نوشته‌ای در آن نبود.^۳ معاویه به فرستاده‌اش گفته بود پیغامش را شفاهی بماند. برای آن که پیغامش در راه افشا نشود، طوماری خالی را به قاصد داد تا اگر در راه مصادره شد، کسی به قاصد برای دستیابی به اطلاعات، ازار نرساند. فرستاده معاویه پس از گفتگو با امیرمؤمنان (ع)، به جمع یاران حضرت ملحق شد و از معاویه بیزاری جست. بار دوم معاویه به حضرت نامه نوشت با این مضمون که تو به خلفای پیشین حسادت می‌ورزیدی و اکنون خود را جلو انداختی با آن که شایستگی آن را نداری. اگر قاتلان عثمان را تسلیم نکنی، با تو خواهد جنگید. حضرت امیر (ع) نیز در جواب فرمود: اگر شایستگی من در خلافت برای من در مورد تردید است، از قدرت ابوسفیان بپرس که پس از رحلت رسول خدا (ص)

۱. سبحانی، فروغ ولایت: ص ۴۹۳.

۲. همان.

۳. میرخواند، روضه‌الصفاء: ج ۴، ص ۱۹۱۶.

همراه عباس بن عبدالمطلب نزد من آمدند و قصد بیعت با من را داشتند. اگر من به خلفای پیشین حسادت داشتم، همان جا با پدرت و عباس بیعت می کردم. اگر حقیقتاً به دنبال مجازات قاتلان عثمان هستی، نخست با من بیعت کن، سپس بر طبق دستور من درباره آنان عمل کن.^۱

در سوی دیگر، معاویه پس از مشورت با عمرو عاص، هم چنان که جریر بن عبدالله نمانده امام (ع) را با ترفندهایی معطل کرده بود، به شرحیل بن سیمط گفت که نفوذ بسیار زیادی نزد مردم داشت، نامه نوشت و از او خواست تا بزرگان و متبذان شام را علیه امیرمؤمنان (ع) بسیج کند.^۲

به دستور معاویه حمی از بزرگان نیز نزد شرحیل رفتند و او را مطابق دستور معاویه، به سمت مخالف و دشمن با حضرت علی (ع) کشاندند. شرحیل که از سوی اشخاص گوناگون، کاملاً متشنج شده بود علی (ع) در کشتن عثمان دست داشته است، نزد معاویه آمده و اعلا و عکازی کرد. هم چنین از معاویه خواست تا جریر بن عبدالله را در شام نگاهدارد تا او مخالفت شامیان با امیرمؤمنان (ع) را به حضرت گزارش کند.^۳

۱. همان: ج ۴، ص ۱۹۲۱.

۲. همان: ج ۴، ص ۱۹۲۶.

۳. همان: ج ۴، ص ۱۹۲۷.